

تحلیل روش‌های القاء حرکت در زمینه‌های ثابت

از دیدگاه سه هنرمند در آثار میشل باتوری

سمیرا صفاری

دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه هنر و معماری

چکیده

«حرکت» از مهم‌ترین تجارب بصری انسان و یکی از عوامل اصلی آفرینش یک اثر هنری می‌باشد. هنرمندان با بهره‌گیری از این عنصر، به جذب مخاطب و ثبات اثر خود در اذهان می‌پردازند. پوستره‌های خلاقانه میشل باتوری، یکی از طراحان گرافیک معاصر و مطرح فرانسه، سرشار از حرکت است. این تحقیق با بررسی روش‌های القاء حرکت در زمینه‌های ثابت از دیدگاه غلامحسین نامی، نیما ورامینی و جان وی. وایت در آثار باتوری، پاسخی به این پرسش است که او چگونه از این عنصر در آثار خود استفاده نموده است؛ فراوانی کاربرد روش‌های پیشنهادی در پوستر باتوری چه مقدار است. و نیز او چه راهکارهای دیگری را برای این امر پیشنهاد می‌دهد. این پژوهش با روش شناسایی و معرفی، ضمن بررسی فرمالیستی، به طبقه‌بندی این آثار پرداخته و از نظر سطح، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات فیش‌برداری و مشاهده‌نگر بوده است. مهم‌ترین روش‌های القاء حرکت در زمینه‌های ثابت در آثار باتوری تضاد در اندازه، رنگ، بافت، بازی با سایه روشن و نور، همزادپنداری، تغییر ویژگی و وزن خطوط، دستکاری مناسب در نوشتار و تلفیق عناصر است.

مقدمه

همه چیز در جهان در حال تغییر و حرکت است و این عمل سبب بقای حیات جانداران می‌گردد. در آثار هنری نیز این عنصر اگر به درستی استفاده شود، سبب جذب مخاطبان، تعمیق آنان در حین چرخش چشم در پهنای اثر، و در نهایت تأثیر بیشتر آن در اذهان می‌گردد؛ بدین سبب میل به حرکت در تمام دوران تاریخ هنر مخصوصاً در مکتب فکتوریسم^[۱] دیده می‌شود. سورینی^[۲]، سخنگوی این مکتب حرکت را بدین گونه تعریف می‌نماید: حرکت همان چیز است که در واقعیت جاریست، حالتی ادامه‌دار و مستمر یعنی ترکیبی از ماده و انرژی. (Ashki & Hosseini, 2005/1384: 131) به نظر می‌رسد در هر اثر هنری از ترکیب میان عناصر آن، حرکتی ایجاد می‌شود و شدیداً بر واکنش‌های ما تأثیر می‌گذارد. «گیرنده‌های حسی ما گاهی حرکت واقعی، و برخی اوقات فرضی از حرکت را دریافت می‌کنند که حاصل خطای دید انسان است. داده‌های حرکتی متنوعی که زاینده جامعه امروز و سرعت تحویل شده بر آن است، در قالب‌های جدیدی تجسم می‌یابند. نقاشی متحرک، تیزرهای تبلیغاتی، تابلوهای LED و... نمودی جدید از بازسازی حرکتند.» (ورامینی، ۱۳۸۸: ۵۸) پس حرکت از عناصر مهم در هنرهای تصویری می‌باشد.

۱- Futurism: جنبشی در مخالفت با سنت‌گرایی هنری که پیش از جنگ جهانی اول، توسط نقاشان ایتالیایی آغاز شد. (آینده‌نگری)



طراحان سال‌هاست برای القاء حرکت در زمینه‌ای ثابت تلاش می‌کنند. وجود تضاد در فرم، ترکیب انرژی انسانی با ابزار مورد استفاده هنرمند، ریتم، نگرش همه جانبه هنرمند به مدل، استفاده از سطوح و خطوط ریتمیک، استحاله از مواردیست که غلامحسین نامی مسبب توهم حرکت می‌خواند. جابه‌جایی عناصر نسبت به فضای اصلی، تکرار اعوجاج بصری، کشش بصری، کشیدن تصویر، دراز و پهن کردن، بازی با سایه و روشن‌ها و نور، همزادپنداری، تغییر ویژگی و وزن خطوط از جمله کارهایی است که نیما ورامینی جهت بیان این عنصر در سطح دو بعدی پیشنهاد می‌دهد. (ورامینی، ۶۹-۶۸: ۱۳۸۸) به این مجموعه، نظرات جان وی. وایت را نیز می‌توان اضافه کرد. دست در حال اشاره، نگاه جهت‌دار، فلش‌ها، شکستن کادر، چیدن ترام‌ها با درجه رنگ متفاوت، محوسازی، کوچک کردن تدریجی شکل، کج بودن افق دید، دستکاری مناسب در نوشتار، استفاده از خطوط جهت، نشان دادن ابزار تغییر در کمیت، همگی مواردیست که حرکت را در آثار تجسمی نمایان می‌سازد. (وایت، ۷۵-۶۶: ۱۳۹۰) در نتیجه راه‌های فراوانی برای رسیدن به یک ترکیب‌بندی پویا در یک اثر هنری وجود دارد.

کولین، موزه ملی فرانسه، مجموعه علمی و صنعتی ویلت، مرکز تاریخی پومپیدو (ایتالیا)، رادیو فرانسه، وزارت فرهنگ و... مشغول به کار است. (غریب‌پور، ۱۳۸۸) اغلب آثارش پوستره‌های فرهنگی با موضوعیت فستیوال، تئاتر، کنسرت و ارکستر موسیقی است که نیازمند عنصر مورد بحث می‌باشد.

از آنجایی که عنصر حرکت به روش‌های متفاوتی قابل بیان است، کشف این راه‌ها ما را به این پرسش‌ها می‌رساند که باتوری چگونه از آن در آثار خود استفاده نموده است؛ از سوی دیگر فراوانی کاربرد روش‌های پیشنهادی در آثار باتوری چه مقداری می‌باشد؛ و نیز او چه راهکارهای دیگری را برای این امر پیشنهاد می‌دهد. هدف نگارنده نوشتار این است که علاوه بر ارائه روش‌های القاء حرکت در زمینه‌ای ثابت، حرکت را در صد پوستر میشل باتوری بیابد. به علت الزام حضور این عنصر جهت تثبیت آثار هنری در اذهان، ضرورت این تحقیق ارتقاء گرافیک معاصر جهان می‌باشد که طراحان، دانشجویان، اساتید هنر می‌توانند از آن بهره‌جویند. در این راستا ابتدا روش‌های پیشنهادی غلامحسین نامی، نیما ورامینی، جان وی. وایت و میشل باتوری در مورد القاء حرکت در زمینه‌ای ثابت بیان می‌نمایم. ضمناً پوستره‌های استفاده‌کننده از هر راه‌کار به تفکیک نام برده خواهد شد. سپس طبقه‌بندی‌ای بر همین اساس ارائه می‌گردد.

حرکت از دیدگاه غلامحسین نامی:

در هنرهای تصویری، حرکت به مفهوم واقعی وجود ندارد، بلکه آنچه به چشم دیده می‌شود نمادی از این عنصر است که آن را «حرکت بصری» می‌نامد و مانند سایر کیفیت‌های بصری وابسته به بیننده می‌داند. تضاد ظاهر فرم شامل شکل، اندازه، رنگ، بافت، تضاد در محل فرم شامل جهت، موقعیت، روابط فضایی، تضاد در مقدار فرم و استحاله مواردیست که در ترکیب‌بند فعال از آن یاد کرده است. (نامی، ۱۱۵-۱۱۱: ۱۳۷۸) ترکیب انرژی



تصویر شماره ۱: پوستره‌های میشل باتوری، مأخذ: آرشینو نگارنده.

میشل باتوری^[۳] از هنرمندانی است که حرکت در آثارش به وفور دیده می‌شود. او ۲۵ آگوست ۱۹۵۹ در شهر لودز (لهستان) متولد شد. تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبای شهر لودز به پایان رساند. در سال ۱۹۸۷ به پاریس مهاجرت کرد و از سال ۱۹۹۴ تا به حال به عنوان طراح گرافیک به صورت مستقل برای مراکز و مؤسسات فرهنگی چون: تئاتر ملی

همپایه^[۸]، تضاد کیفیت^[۹]، تضاد کمیت (وسعت و سطوح رنگ) شامل می‌شود. (ایتن، ۱۳۶۹)

«تضاد در بافت» و نیز جنسیت فرم‌ها عبارت از نرم و زبر، مات و صیقلی، صاف و ناصاف، زمخت و ظریف و... است. قابل ذکر است که خود نوشتار نیز بافتی را ارائه می‌دهد که می‌تواند سبب تنوع بصری گردد.

از جمله موارد زیر مجموعه تضاد در محل فرم، تضاد در موقعیت، جهت و روابط فضایی است که همگی سبب ایجاد حرکت در تصاویر می‌شود. باتوری از این تضادها در چینش



تصویر شماره ۲: پوسته‌های میشل باتوری، مأخذ: آرشینو نگارنده.

نوشتار در کنار تصویر به وضوح استفاده کرده است. «تضاد در موقعیت» به چگونگی ترکیب بندی در صفحه تصویر مرتبط است. «تضاد در جهت» تضاد و تعرض را القاء می‌کنند و فرم‌هایی با جهات متفاوت را شامل می‌شوند. بُعد در فرم‌های روی هم قرار گرفته و دوری و نزدیکی در فرم‌های دارای تضاد اندازه، «تضاد در روابط فضایی» را می‌آفریند. استفاده از سطوح و خطوط ریتمیک که در هنر دیدگانی مرسوم است، نیز سبب القاء بُعد می‌شود. تضاد در مقدار فرم بستگی به تراکم و یا پراکندگی عناصر بصری در ترکیب بندی دارد، به شرطی که فقط یک نوع شکل با هم ترکیب شده باشند. (نامی، ۱۳۷۸:۱۱۵) این نوع تضاد می‌تواند مثل پوسته شماره ۶۷ در چینش رنگ در تصویر و نوشتار نیز حاضر باشد.

۸- سیمولتانه

۹- اشباع

انسانی با ابزار مورد استفاده هنرمند، همچنین عواطف او بخش دیگری از این عوامل است. (همان، ۱۳۴:۱۲۴) توالی، تکرار و ریتم در فوتوریسم، تصور همه ابعاد مدل و نگرش همه جانبه هنرمند به آن در کوبیسم^[۴]، خطوط و سطوح ریتمیک در هنر دیدگانی^[۵] از نمودهای حرکت در جهان مدرن می‌باشد. (همان، ۱۳۶:۱۲۶) به نظر می‌رسد این راه کارها اگر به درستی و با دقت مورد استفاده قرار گیرد، به خوبی سبب جذب مخاطب می‌گردد.

دونیس! داندیس معتقد است برای برجسته کردن معنای بصری، فن تضاد^[۶] علاوه بر تهییج و جلب توجه، به معنای موجود در پیام اهمیت و تحرکی خاص می‌بخشد. (داندیس، ۱۳۶:۱۳۸۳) اولین مورد از این گروه تضاد در فرم است که به سه دسته شامل تضاد در ظاهر فرم، محل فرم و مقدار فرم تقسیم می‌شود. تضاد در ظاهر فرم می‌تواند به چگونگی شکل، اندازه، رنگ و بافت فرم بستگی داشته باشد که همگی سبب چرخش چشم در گستره اثر و القای حرکت به بیننده می‌گردد. در همه آثار باتوری این عنصر میان کادر مستطیل پوستر و نیز کادر هندسی گوشه هر طرح، از جمله نام مؤسسه سفارش دهنده، با تصاویر و نوشتار داخلی مشاهده می‌شود اما در نمودار ۱ موارد تضاد عناصر داخلی ذکر شده است. «تضاد در شکل» شامل استفاده از شکل‌های کامل و ناقص، قرینه و غیرقرینه، ساده و پیچیده، انتزاعی و طبیعی، منظم و تصادفی، فرم‌های منحنی و تیز و... است. (نامی، ۱۳۷۸:۱۱۱)

«تضاد در اندازه» مانند بزرگ و کوچک، ریز و درشت، بلند و کوتاه در اغلب آثار بسیار محسوس است. «تضاد در رنگ»

براساس نظریه جوهانز ایتن مواردی چون تضاد ته رنگ^[۷]، تضاد تاریکی و روشنی، تضاد سرد و گرم، تضاد مکمل، تضاد

4- Cubism

۵- Op art (Optical art): هنریست در دهه ۱۹۶۰ که با به کارگیری شکل‌های هندسی مکرر، ایجاد خطای دید و القاء حالت حرکت در اشکال و خطوط، توهم فضایی مواج و چندبندی در سطح را ایجاد می‌کند. (مرزبان و معروف، ۱۳۸۰:۲۴۳)

6- Contrast

۷- رنگ به خودی خود



به نظر می‌رسد باتوری در نوشتار از این مورد به وفور استفاده نموده است.

نامی در رابطه با تأثیر ابزار و وسایل کار بر القای حرکت، انرژی، عواطف و احساسات هنرمند را مؤثر می‌داند و می‌گوید: «ابزار و موادی که هنرمند برای آفرینش اثر خود به کار می‌گیرد، دارای نیرو و فشار مخصوص به خود می‌باشد. ترکیب انرژی دست هنرمند با وسائلی چون مداد، ذغال، قلمو و غیره و چگونگی بافت کاغذ موجب پیدایش حرکت‌ها و نیروهای متفاوتی در صفحه تصویر می‌شود.» (نامی، ۱۳۷۸: ۱۲۴)

یک تصویر به وجود آید. (نامی، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

حرکت از دیدگاه نیما ورامینی:

داده‌های بصری مانند ابعاد، شکل، راستا، فاصله، درخشندگی، روشنی و رنگ نمایانگر روابط فضایی هستند و جابه‌جایی آن‌ها جنبش را القاء می‌کنند. احساس حرکت در بسیاری مواقع ناشی از خطای دید است و سقوط یا صعود اشیاء به تناسب وزنشان را در ناخودآگاه حسی انسان بیان می‌کند. جابه‌جایی عناصر نسبت به فضای اصلی، تغییر اعوجاج بصری، کشیدن تصویر، دراز و پهن کردن، تغییر ویژگی و وزن خطوط از جمله موارد اشاره شده توسط اوست.

نور عنصری زنده و حیات‌بخش است که باتوری آگاهانه در آثارش از آن بهره گرفته است. بازی با سایه و روشن‌ها و نور شامل مواردی چون تفاوت در بافت نور، فاصله منبع از سوژه، گرمی و سردی آن از جمله ابزارهایی است که او در این مبحث به آن توجه داشته است. در همه مورد بحث سایه وسیله اتصال موضوع بحث و پس زمینه می‌باشد اما نوشتار بدون آن استفاده شده است.

همزادپنداری یا جان‌انگاری از دیگر اشکال بیان حرکت است که به ۴ دسته تقسیم می‌شود:

الف: حیوان شخصیت انسانی می‌یابد. مانند شخصیت‌های کارتونی یا مسکات‌های نماد محصولات، تیم‌ها.
ب: حیوانی با انسان ترکیب می‌شود. مانند اسفنکس‌ها.

ج: حیوان با جزئی از یک انسان در می‌آمیزد مانند ساتوری‌ها.

د: شیء با گرفتن ویژگی‌های انسانی یا حیوانی حیات می‌یابد.

دنیای تخیل برانگیز هنر مجاز به همه این تغییرات است. (نیرومند، ۱۳۹۱: ۸۲) باتوری که از کودکی علاقمند به این تکنیک بوده، در دنیای حرفه‌ای و با روش‌های مختلف، به خوبی از آن جهت رساندن موضوعات مورد نظر بهره گرفته است.



تصویر شماره ۳: پوستره‌های میشل باتوری، مأخذ: آرشیونگارنده.

«ریتم عبارت است از تکرار و توالی و حرکتی است شبیه به هم طبق نظمی معین.» (نامی، ۱۳۷۸: ۵۸)

به وسیله تکرار شکل، اندازه، رنگ، بافت، جهت، موقعیت، فضا و جاذبه می‌توان ضرب‌آهنگ ایجاد کرد. در برخی مواقع ریتم ریز شده و به بافت تبدیل می‌گردد. (وَنگ، ۱۳۹۲: ۵۳) فوتوریست‌ها با تکرار شکل‌ها کوشیدند به ترکیب‌بندی ایستای کوبیستی، حرکت دهند. (گاردنر، ۱۳۸۷: ۶۲۵)

پوستره‌های باتوری به علت موضوع آن سرشار از ریتم است. نوشتار بسیار پر سر و صدا می‌باشد و ریتم تنفس در آثار او حرکت بیشتری را القاء می‌کند. نوعی دیگر از ریتم، نگرش همه جانبه و از زوایای متفاوت توسط هنرمند به سوژه است که در سبک کوبیسم مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع در این روش جنبه‌های مختلف جسمی را در آن واحد به تصویر در می‌آوریم. (گامبریچ، ۱۳۸۸: ۵۶۲) یکی دیگر از راه‌های القای حرکت تکنیک استحاله است. حرکت ممکن است از تغییر تدریجی یک شکل به یک سری از شکل‌های دیگر مانند مراحل تبدیل دایره به مربع در

حرکت از دیدگاه جان وی. وایت:

او جهت، حرکت و تغییر را چاشنی کلامی-دیداری هر اثر می‌داند و در کتاب «ایده‌های گرافیکی» به ارائه مجموعه‌ای از عقاید و نظرات با هدف ایجاد جرقه در ذهن هنرمندان می‌پردازد. دست در حال اشاره، شکستن کادر، چیدن ترام‌ها با درجه رنگ متفاوت، کوچک کردن تدریجی شکل، کج بودن افق دید، دستکاری مناسب در نوشتار از روش‌های اشاره شده در این کتاب جهت القاء حرکت در زمینه‌ای ثابت است.

نگاه جهت‌دار فرد و فلش‌ها در تصویر خطی را ایجاد می‌کند که حرکت چشم را در صفحه جهت می‌دهد و سبب تمرکز می‌گردد. تنظیمات ترکیب‌بندی نوشتار در بسیاری مواقع می‌تواند نقش فلش را داشته باشد. راه‌های مختلف محوسازی از جمله به تدریج کم رنگ شدن یک سوژه ثابت، استفاده از ترام یا فضای شطرنجی در یک تصویر فلو شده به همراه یک تصویر واضح هدف مورد نظر را حاصل می‌نماید. در بسیاری از مواقع برای نشان دادن پویایی از خطوط جهت‌دار استفاده می‌شود که در این آثار، نوشتاری که حرکت را دنبال می‌کند، این بار را به دوش می‌کشد.

استفاده از ابزارهای کمیت متغیر مثل دماسنج، سرعت سنج، تغییر مکان از جمله قطب‌نما، بادنما، تابلوهای راهنمایی کنار جاده، اتواستاپ زن، اتیکت خطوط هوایی و همچنین تغییر زمان مانند صفحه ساعت، ساعت کامپیوتری، ساعت شنی، ساعت آفتابی، کورنومتر، تقویم، حالات ماه همگی مواردیست که حرکت را در آثار تجسمی نمایان می‌سازد. (وایت، ۱۳۹۰: ۵۷)

استفاده از حروف ساعت کامپیوتری توسط باتوری یکی از این موارد است.

حرکت باتوری‌بایی:

علاوه بر موارد ذکر شده با بررسی این آثار می‌توان به راه‌کارهای دیگری برای القاء حرکت در تصاویر ثابت رسید. مواردی چون ابر و دود متحرک، حرکت کانال‌های رنگی، عمق میدان از این گروه است. استفاده از ابزاری یادآور تحرك مانند آلات موسیقی، پاکت نامه، نوشیدنی محرك،

شمع روشن، اسلحه شلیک‌کننده، پرتوهای سخنگو و فریادزن، کفش، پا، دست و حتی انسان در حال حرکت، همچنین بروز افکار و تنش‌های درونی انسان، در یک ترکیب‌بندی فعال به خوبی بیان‌کننده این عنصر هستند.

تلفیق عناصر و کشف ارتباط میان آن‌ها، حرکت و کنکاشی را در ذهن ایجاد می‌کند. نیرومند معتقد است پیوند حاصل از هم‌جواری دو نشانه، ناشی از قانون پیوستگی گشتالت است. این ارتباط گاهی ممکن است به صورت فیزیکی با گره، چسب و... انجام شود. اما در هر صورت محل تلاقی دو عنصر، همان وجه شبه خواهد بود. (نیرومند، ۱۳۹۱: ۵۸)

نمودار شماره ۱ حاصل بررسی موارد ذکر شده در صد پوستر میشل باتوری (تصاویر شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵) است. با توجه به آمار به دست آمده به نظر می‌رسد تضاد در اندازه، رنگ، بافت، بازی با سایه روشن و نور، همزادپنداری، تغییر ویژگی و وزن خطوط، دستکاری مناسب در نوشتار و تلفیق عناصر مهم‌ترین راه‌کارهای مورد استفاده میشل باتوری جهت القاء حرکت در زمینه‌ای ثابت می‌باشد.

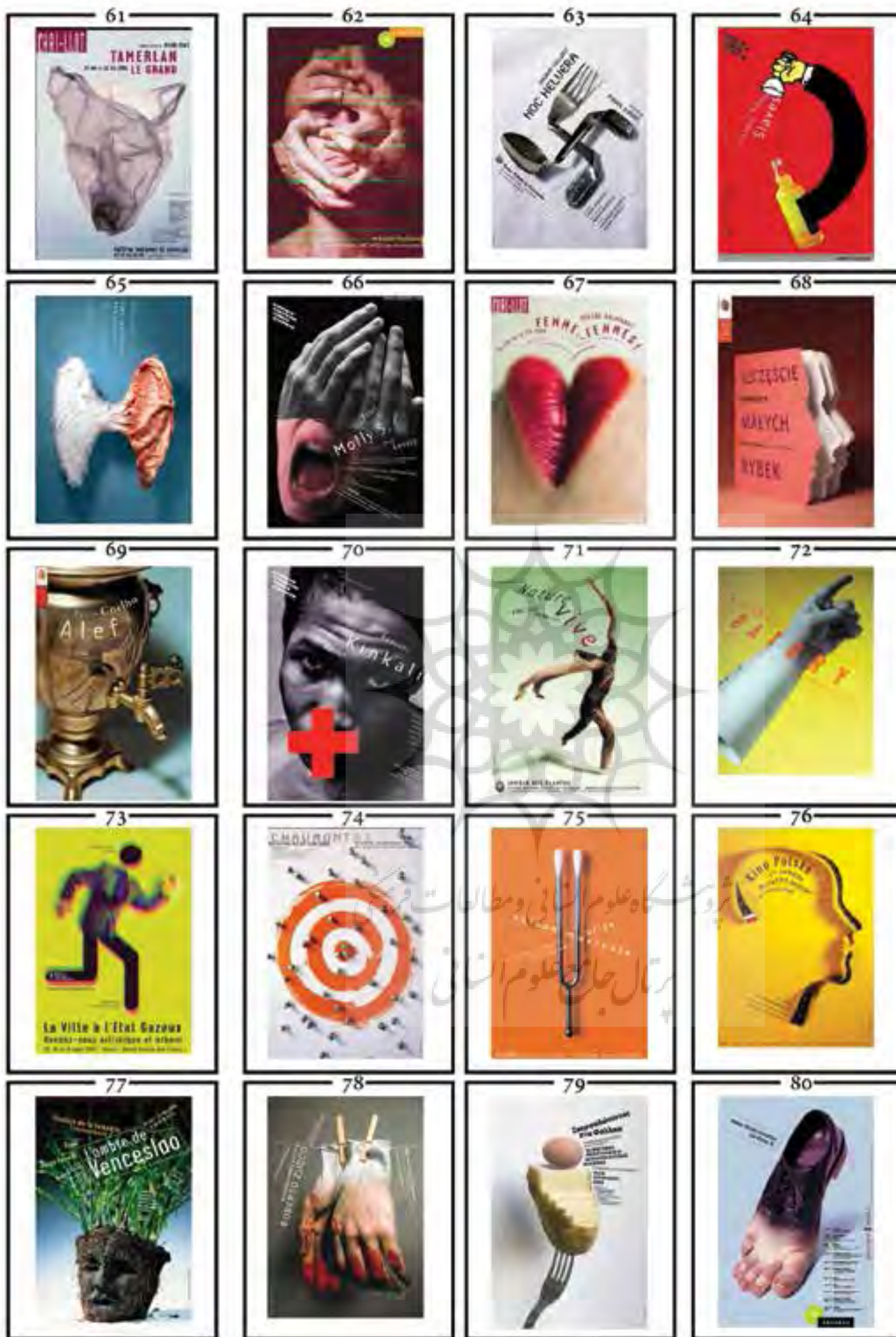
نتیجه‌گیری

جذب مخاطب و ایجاد شوک بصری از مهم‌ترین رسالات هر اثر تبلیغاتی است و حرکت از عوامل موثر بر آن می‌باشد. راه‌کارهای زیادی برای القاء حرکت در زمینه ثابت وجود دارد. اولین پیشنهاد این نوشتار، ایجاد کنتراست یا تضاد در فرم است. مواردی چون تضاد در ظاهر فرم شامل شکل، اندازه، رنگ، بافت، تضاد در محل فرم شامل موقعیت، جهت، روابط فضایی و تضاد در مقدار فرم زیرمجموعه‌ای از این بخش می‌باشد. ابزار مورد استفاده هنرمند، ریتم، نگاه از زوایای متفاوت، استحاله، جابه‌جایی عناصر نسبت از فضای اصلی، تغییر اعوجاج بصری، کشیدن تصویر، دراز و پهن کردن آن، بازی با سایه روشن‌ها و نور و همزادپنداری از جمله دیگر عوامل حضور این عنصر در تصویر است. تغییر ویژگی و وزن خطوط، دست در حال اشاره، نگاه جهت‌دار، فلش‌ها، چیدن ترام‌ها با درجه رنگ متفاوت، محوسازی تصویر، کوچک کردن تدریجی شکل، کج بودن افق دید، دستکاری مناسب در نوشتار، استفاده از خطوط جهت و نشان دادن تغییر در کمیت نیز از مواردی است که پویایی را در تصاویر سبب می‌شود. استفاده از ابر و دود متحرک، حرکت کانال‌های رنگی، استفاده از ابزاری یادآور تحرك، تلفیق عناصر و عمق میدان روش‌های دیگری است که با بررسی آثار میشل باتوری می‌توان بدان رسید. آمار به دست آمده در این نشان می‌دهد که او در مجموعه منتخب، جهت بیان حرکت، بیشتر از روش‌های تضاد در اندازه، رنگ، بافت، بازی با سایه روشن و نور، همزادپنداری، تغییر ویژگی و وزن خطوط، دستکاری مناسب در نوشتار و تلفیق عناصر استفاده نموده است. ■

منابع

- ۱- اشکی، م. حسینی، م. (۱۳۸۶/۲۰۰۵). Sculpture & English for the Student of Visual Art (Painting, Graphics). (ح. رستگارپور، تدوین) تهران: سمت.
- ۲- ایتن، ج. (۱۳۶۹). کتاب رنگ. (م. ح. حلیمی، مترجم) تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- داندیس، د. ا. (۱۳۸۳). مبادی سواد بصری. (م. سپهر، مترجم) تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- ۴- غریب‌پور، آ. (۱۳۸۸). اول مرداد. میشل باتوری. بازیابی در اول دی، ۱۳۹۲، از: <http://www.rangmagazine.com/?type=dynamic&id=1815&angmagazine>
- ۵- گاردنر، ه. (۱۳۸۷). هنر در گذر زمان. (م. ت. فرامرزی، مترجم) تهران: آگاه.
- ۶- گامبریچ، ا. ه. (۱۳۸۸). تاریخ هنر. (ع. ورامین، مترجم) تهران: نی.
- ۷- مرزبان، پ. معروف، ح. (۱۳۸۰). فرهنگ مصور هنرهای تجسمی. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- ۸- نامی، غ. (۱۳۷۸). مبانی هنرهای تجسمی (ارتباط بصری). تهران: توس.
- ۹- نیرومند، م. ح. (۱۳۹۱). دستورالعمل‌های فیل آبی برای ایده‌یابی. تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- ۱۰- وایت، ج. و. (۱۳۹۰). کتابچه ایده‌های گرافیکی. (ا. برآبادی، مترجم) تهران: یساولی.
- ۱۱- ورامینی، ن. (۱۳۸۸). تفکر خلاق در گرافیک. تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- ۱۲- وُنگ، و. (۱۳۹۲). اصول فرم و طرح. (ا. بیداربخت، ن. لواسانی، مترجم) تهران: نی.





تصویر شماره ۴: پوستره‌های میشل باتوری، مأخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر شماره ۵: پوستره‌های میشل باتوری، مأخذ: آرشیو نگارنده.



نمودار شماره ۱: فراوانی کاربرد روش های القاء حرکت در زمینه ای ثابت در آثار باتوری (ترسیم نمودار توسط نگارنده)

نام	روش	پوستره های استفاده کننده	فراوانی
علاء حسینی نامی	تضاد در ظاهر فرم	تضاد در شکل	۵۰٪ ۶۱، ۵۹، ۵۸، ۵۶، ۵۴، ۵۳، ۵۱، ۴۹، ۴۸، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۰، ۳۷، ۳۲، ۲۳، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۸، ۳، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
		تضاد در اندازه	۱۰۰٪ ۱۰۰، ۹۹، ۹۷، ۹۶، ۹۴، ۷۴، ۵۴، ۴۷، ۳۸، ۳۳، ۲۴، ۱۹، ۳
		تضاد در رنگ	۱۰۰٪ همه آثار
	تضاد در محل فرم	تضاد در بافت	۶۳٪ ۳۴، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۸، ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۵، ۳، ۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۸، ۱۰۰
		تضاد در موقعیت	۲۲٪ ۹۵، ۹۰، ۸۳، ۸۱، ۷۷، ۷۵، ۷۲، ۶۳، ۵۵، ۵۶، ۵۳، ۵۲، ۴۶، ۳۶، ۲۲، ۲۰، ۱۳، ۱۰، ۸، ۴، ۲، ۱
		تضاد در جهت	۲۴٪ ۱۰۰، ۹۸، ۹۶، ۹۳، ۸۹، ۸۵، ۸۴، ۷۹، ۵۷، ۴۵، ۴۴، ۴۱، ۴۰، ۳۴، ۳۳، ۲۶، ۲۴، ۱۷، ۱۵، ۱۱، ۷، ۶، ۵، ۳
	تضاد در مقدار فرم	تضاد در روابط فضایی	۵٪ ۹۹، ۸۴، ۱، ۷۱، ۸۱
		تضاد در مقدار فرم	۲۰٪ ۱۰۰، ۸۷، ۷۷، ۷۴، ۷۰، ۶۷، ۴۷، ۴۳، ۳۸، ۲۶، ۲۴، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۷، ۴، ۲، ۱
		ابزار	۸٪ ۱۰۰، ۹۳، ۸۵، ۷۴، ۶۴، ۵۶، ۲۷، ۲۳
		ریتیم	۳۱٪ ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۴۸، ۴۷، ۴۴، ۴۳، ۳۸، ۳۵، ۳۳، ۲۸، ۲۴، ۲۳، ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۲، ۷، ۶، ۱، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰
	نگرش از زوایای متفاوت	۱٪ ۱۰۰	
	لستحاله	۰٪ -	
	جابجایی عناصر نسبت به فضای اصلی	۰٪ -	
نجمه اورانی	تغییر اوج جابجایی	۲٪ ۹۷، ۹۱، ۹۷، ۹۱	
	کشیدن تصویر	۰٪ -	
	دراز و پهن کردن	۱٪ ۹۳	
	بازی با سایه و روشن ها و نور	۱۰۰٪ همه آثار	
	همزاد پنداری	۵۱٪ ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۳، ۴۲، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۵، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۱۵، ۹، ۷، ۳، ۲، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۴، ۱۰۰	
	تغییر ویژگی و وزن خطوط	۱۰۰٪ ۷۶، ۷۴، ۷۱، ۴۹، ۴۳، ۲۹، ۲۰، ۳، ۸	
	دست در حال اشاره	۲٪ ۵۳، ۱	
چال	نگاه جهت دار	۶٪ ۸۶، ۵۶، ۴۶، ۴۳، ۴۰، ۲۱	
	فلش ها	۹٪ ۹۳، ۸۹، ۸۳، ۵۷، ۵۳، ۲۶، ۲۴، ۲۲، ۲۰	
	شکستن کادر	۰٪ -	
	چیدن ترام ها با درجه رنگ متفاوت	۰٪ -	
	محوسازی	۵٪ ۱۰۰، ۶۶، ۴۳، ۴۲، ۴۱	
	کوچک کردن تدریجی شکل	۰٪ -	
	کج بودن افق دید	۳٪ ۸۸، ۳۱، ۱	
	دستکاری مناسب در نوشتار	۱۰۰٪ همه آثار	
	استفاده از خطوط جهت	۵٪ ۷۱، ۵۷، ۱۲، ۸، ۵	
	نشان دادن تغییر در کمیت	۳٪ ۹۴، ۷۸، ۷۴	
همیشه باتوری	ابر و دود متحرک	۴٪ ۴۳، ۴۲، ۱۴، ۸	
	حرکت کانال های رنگی	۲٪ ۷۳، ۲۹	
	استفاده از ابزاری یادآور حرکت	۲۸٪ ۸۶، ۷۴، ۷۳، ۷۱، ۶۶، ۶۴، ۶۲، ۵۸، ۵۷، ۴۵، ۲۲، ۲۵، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۹، ۸۸، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰	
	تلفیق عناصر	۵۹٪ ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۳، ۱۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰	
	عمق میدان	۸٪ ۱۰۰، ۹۴، ۸۶، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۷۷، ۷۱	



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جمع علوم انسانی